

درنگ

صورت‌مسأله

لغیا اعتدای

توی این دنیا ما آدم‌ها دو دسته هستیم. آدم‌هایی که قبول می‌شویم و پرونده قبولی می‌گیریم و آدم‌هایی که رفوزه می‌شویم و پرونده مردودی می‌گیریم.

ما آدم‌هایی که قبول می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که سرمان را بالا می‌گیریم و با قدم‌های قاطع و محکم راه می‌رویم و پرونده‌مان را طوری توی دستان می‌گیریم که همه ببینند، و آدم‌هایی که رفوزه می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که سرمان را پایین می‌گیریم و لاک‌پشتی راه می‌رویم و پرونده‌مان را هم پشتمان قایم می‌کنیم.

ما که قبول می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که زندگی را جدی می‌گیریم و به آن بها می‌دهیم و به خاطر دو روز خوشی، خودمان را گم نمی‌کنیم و از یاد نمی‌بریم؛ و ما که رفوزه می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که زندگی را جدی نمی‌گیریم و به قول خودمان جوانی می‌کنیم.

ما که قبول می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که خیلی از خودمان مایه می‌گذاریم و خیلی از چیزهای خوب را فدای چیزهای خوب دیگر می‌کنیم و عمرمان را مثل یک کالای بی‌مصرف دور نمی‌ریزیم؛ و ما که رفوزه می‌شویم، آدم‌هایی هستیم که هر چیزی را که دم دستان می‌رسد، معامله می‌کنیم و فقط و فقط تا نوک دماغمان را می‌بینیم. ما که قبول می‌شویم...

پس... تادیر نشده بیا! بیا پرونده‌مان را باز کنیم و به حساب و کتاب‌هایمان برسیم.

حتماً اگر لازم شد، صورت‌مسأله را چندبار بخوانیم...

همواره اسلام به مبارزه با آن برخاسته است. بنابراین، منشأ و خاستگاه سنت در اصطلاح غیردینی برگرفته از خرد بشری و جمعی است که در دوره‌ای از حیات بشر ظاهر گشته و به دلیل محتوای قوی و ارزش ماندگار آن ناخودآگاه تاریخی شده و سرچشمه رفتار بشر شده است.^(۱)

براین اساس، با انتقال سلوک و رفتار جمعی بشری، بقای جمع و گروه، تضمین می‌شود. در واقع، مبنای تداوم زندگی جمعی، توافق بر هنجارها و ارزش‌ها و قواعد و مقررات و آداب و رسوم جمعی است.

تکته

متأسفانه بسیاری سنت را در مقابل تجدد و نوگرایی قرار می‌دهند و این خطایی فاحش است. در آمیختن ناموجه دو مفهوم معاصر، جدید و قدیم و سنت، موجب لغزش‌ها فراوانی شده است. به عبارت دیگر، «سنت» در علوم اجتماعی در مقابل تجدد و ستیز با عقل و ایدئولوژی قرار می‌گیرد و به مجموعه‌ای از میراث فکری و دانش تاریخی اطلاق می‌شود که به معنای گفتار، کردار و تقریر معصوم (ص) است. سرچشمه‌اش شریعت است. سنت دینی را این گونه تعریف کردن و آن را تاریخی، منسوخ و کهنه پنداشتن و مقابل هر نوع نوگرایی و تجدد قلمداد کردن ناموجه و نادرست است.

همان گونه که گذشت، اساس دین برپویایی و تحول و سنت و مسابقه است، هرگز دین با واپس‌گرایی و بر قهقرا موافق نیست. اما کلام در این است که آیا هر جدیدی پویاست. هر نویی متجدد است و هر چیز قدیمی، کهنه است!

در شماره آینده به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که هر سنتی کهنه نیست و هر مدرنی تازه نیست.

پی‌نوشت:
۱. رک: فرهنگ علوم اجتماعی، جولیوس گولدر و ویلیام. ل. کولب، ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، ۱۳۷۶، ص ۵۱۹

سنت در اصطلاح دینی مجموعه‌ای از مقرراتی است که از منبع فرابشری و با تکیه بر حکمت و عالم لایزال الهی شکل گرفته باشد، به گونه‌ای که هیچ‌گونه کم و کاستی و نادرستی‌ای در آن راه ندارد و از سوی دیگر، ناظر به مصالح بشر و بیانگر روش دستیابی به این مصالح است. بنابراین، سنت در اصطلاح دینی مجموعه مقررات، آداب، هنجارها و ارزش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی است و خاستگاه آن، الهی و غیربشری است که بشر با عمل بدان سعادت خویش را تضمین خواهد نمود. حال سؤال این است که آیا سنت در مقابل تجدد و نوگرایی است و به عبارت دیگر، هر چیز سنتی کهنه است و یا نه، الزاماً هر سنتی کهنه و هر غیرسنتی متجدد و نو و تازه نیست.

دین اسلام هرگز با رکود، سکون و عدم تحرک و پویایی موافق نیست، بلکه با ارائه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی که برای همه عصرها و زمان‌ها تازگی و طراوت دارد و به عنوان غایات و مقاصد مطلوب انسان و هدف نهایی زندگی انسان محسوب می‌شوند، انسان‌ها را به حرکت، تکاپو، تلاش و حرکت و می‌دارد. مطلوب او، جامعه و انسان‌های پویا و پر تلاش، دارای آرمان و امید و نشاط است، انسان‌های بی‌نشاط، ساکن، بی‌تحرک و بی‌مصرف! اسلام، انسان‌ها را دعوت به سبقت‌گیری از همدیگر برای کسب امتیازات ویژه و فضایل اخلاقی می‌کند و آنان را به «السابقون والسابقون» تحریض می‌کند. بنابراین، هرگز سنت به معنی کهنه و مخالف نو و جدید و پویایی و حرکت نیست.

سنت در اصطلاح علوم اجتماعی

در اصطلاح جامعه‌شناختی، سنت مجموعه‌ای از آداب و رسوم و ارزش‌های قبایلی برخاسته از عقل بشری است که منشأ پیدایش آن، توافق و رأی اکثریت است. بدیهی است که این سنت نه تنها مورد تأیید دین نیست که

